



فصلنامه گویش پژوهی

نشریه علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

شاپا چاپی: ۵۲۲۵-۲۶۷۶
دوره ۱، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴



بررسی فرایندهای واجی در گویش لری خرم آبادی

A Phonological Analysis of the Khorramabadi Lori Dialect

Mohammadreza Ahmadkhani¹ ✉, Mehrak Zamani²

¹ Associate Professor of Linguistics, Department of Linguistics and Foreign Language, Payam-e Noor University, Tehran, Iran.
Corresponding author: ahmadkhani@pnu.ac.ir

² Ph.D. Student of Linguistics, Department of Linguistics and Foreign Language, Payam-e Noor University, Tehran, Iran.
meh.zizi@yahoo.com

محمدرضا احمدخانی^۱ ✉، مهرک زمانی^۲

^۱ دانشیار زبان‌شناسی، گروه زبان‌شناسی و زبان خارجه، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. نویسنده مسئول: ahmadkhani@pnu.ac.ir

^۲ دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، گروه زبان‌شناسی و زبان خارجه، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران. meh.zizi@yahoo.com

اطلاعات مقاله

تاریخ‌ها

دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۱

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۳

واژگان کلیدی

تضعیف
خنثی‌شدگی
زبان معیار
لری خرم‌آبادی
همگونی

چکیده

در میان گویش‌های جنوب غربی ایران، گویش لری نزدیک‌ترین ارتباط را با زبان فارسی دارد، چرا که هر دوی آن‌ها دنباله‌ای از پارسی میانه هستند. این گویش در منطقه‌ای وسیع از ایران رایج است و حدود سه میلیون گویشور دارد. گویش مورد بررسی در مقاله حاضر، گویش لری گویشوران شهر خرم‌آباد است که در زمره مناطق قرار می‌گیرد که مردم آن به این گویش سخن می‌گویند. در این جستار تلاش شده است فرایندهای واجی و آوایی، از جمله تبدیل و دگرگونی واج‌ها، و حذف آن‌ها در گویش لری خرم‌آبادی بررسی و با فارسی معیار مقایسه شود. روش تحقیق این پژوهش تحلیل محتوای داده‌های زبانی است که بر اساس شتم زبانی نویسنده. که خود گویشور بومی این گویش است. و نیز داده‌های میدانی گردآوری‌شده، صورت گرفته است. همچنین، برخی دیگر از تحولات آوایی این گویش بر اساس اصول زبان‌شناسی بررسی شده‌اند؛ از جمله: قلب، ابدال، افزایش، همگونی، ناهمگونی و غیره که این فرایندها در چارچوب واج‌شناسی زایشی تحلیل و ارائه می‌شوند.

Abstract: Among the Southwestern Iranian dialects, the Lori dialect is the closest to Persian, as both trace their origins back to Middle Persian. Lori is spoken across a wide geographical area in Iran and has approximately three million native speakers. The present study focuses on the Lori dialect as spoken in the city of Khorramabad, a region where this dialect is commonly used. This paper aims to investigate the phonological and phonetic processes of the Khorramabadi Lori dialect, including the transformation, alternation, and deletion of phonemes, and to compare these features with Standard Persian. The research methodology is based on content analysis, and the data have been collected both through the linguistic intuition of the author, who is a native speaker of this dialect, and from fieldwork. Additionally, several other phonological changes in the dialect are analyzed within the framework of generative phonology. These include processes such as metathesis, substitution, epenthesis, assimilation, dissimilation, and others.

History

Received: June 01,

2025

Accepted: Aug. 14,

2025

Keywords

Lenition
Neutralization
Standard Persian
Khorramabadi Lori
Assimilation

استناد: احمدخانی، محمدرضا، زمانی، مهرک (۱۴۰۴). بررسی فرایندهای واجی در گویش لری خرم‌آبادی. گویش پژوهی، ۱(۲)، ۱-۱۷.

<https://doi.org/>

© ۱۴۰۴ (۲۰۲۵) نویسندگان مقاله، فصلنامه گویش پژوهی، مجله علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

۱. مقدمه

از آنجایی که کشور ایران از اقوام مختلف با گویش‌ها و زبان‌های متفاوت تشکیل شده است، این گویش‌ها و لهجه‌ها گنجینه‌های عظیمی هستند که بررسی و شناخت آن‌ها به شناخت هرچه بیشتر و بهتر ما از میراث فرهنگی و هویت ملی کشورمان کمک می‌کند و با توجه به خطرهایی که با گسترش وسایل ارتباط جمعی، رسانه‌های گروهی و راه‌های ارتباطی بین مناطق مختلف ایران، گویش‌ها و لهجه‌ها را تهدید می‌کند و آنها را در معرض زوال تدریجی قرار داده است، ایجاب می‌کند که بررسی گویش‌های محلی با روش‌های علمی در قالب چارچوب‌های نظری قابل قبول انجام پذیرد تا این گنجینه‌های گرانبهای فرهنگی حفظ گردند. امروز مطالعات زبان‌شناختی در گوشه‌گوشه جهان جایگاه برجسته‌ای را به خود اختصاص داده است و در این میان بررسی‌های واج‌شناختی از دیدگاه مختلف نظری مطرح گردیده‌اند. نظریه‌های واج‌شناسی موجود در حوزه زبانشناسی نظری به‌عنوان مدل‌هایی آرمانی، زمانی می‌توانند ادعای خود را به اثبات برسانند که براساس داده‌های برگرفته از زبان‌های طبیعی قابل سنجش باشند. برای نیل به این هدف ناگفته پیداست که بایستی شواهدی از نظام آوایی زبان‌های طبیعی ارائه کرد و با اتکا به این شواهد صحت و سقم این نظریه‌ها را محک زد. گونه زبانی که در این پژوهش به‌عنوان یک زبان طبیعی و زنده مورد بررسی قرار می‌گیرد گویش لری خرم‌آبادی است. با توجه به این که لهجه‌ها و گویش‌های یک سرزمین نشانگر غنای فرهنگی آن است و هر گویش به نوبه خود دارای گونه‌های مختلفی است، جمع‌آوری این گویش‌ها و پرداختن به مباحث مختلف زبان‌شناختی مرتبط با آن‌ها، در شناساندن این گونه‌های زبانی به محققان و نسل‌های بعدی کمک می‌کند. پس وظیفه ماست که با بررسی زبان‌ها و گویش‌های مختلف سرزمین ایران، به غنای فرهنگی و فراهم آوردن زمینه‌ای برای مطالعه پژوهشگران بعدی کمک نماییم. متأسفانه، درباره لهجه‌های محلی موجود در کشور تحقیقات اندکی صورت گرفته است، در حالی که با انجام تحقیق، تتبع، و ثبت لهجه‌های محلی و گردآوری آن‌ها می‌توان فرهنگ جامع و کاملی برای زبان فارسی تهیه کرد و بسیاری از نکات باریک و مبهم موجود در زبان‌شناسی ایرانی را روشن ساخت، واژه‌های کهن موجود در متون ادب فارسی که به فارسی دری نرسیده‌اند را شناخت، و از چگونگی تغییرات آوایی، صرفی، نحوی و معنایی واژگانی که در اثر گذشت زمان در مناطق مختلف ایران ایجاد می‌شود آگاه شد و به بازیافت واژه‌های فناشده فارسی کمک کرد.

ثبت گویش‌ها و لهجه‌های ایرانی در مطالعات رده‌شناختی زبان نیز مفید واقع می‌شود زیرا از این طریق می‌توان به طبقه‌بندی گویش‌ها پرداخت و به روابط موجود بین گویش‌های مختلف پی برد.

شناخت آداب و رسوم، فرهنگ و باورها و اوضاع اجتماعی مناطق مختلف ایران، ایجاد زمینه مناسب برای انجام مطالعات تاریخی - تطبیقی و بازسازی صورت‌های کهن از اهداف دیگر این گونه بررسی‌هاست. پرسش این پژوهش این است که چه رویدادهای واجی در قالب همگونی و نرم شدگی در لری خرم‌آبادی صورت می‌گیرد. برخی نیز لری را به جهت شباهت به زبان پارسی میانه که زبان پارتیان و ساسانیان بوده است، شاخه‌ای از زبان فارسی دانسته‌اند (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۷۰: ۴۰). به اعتقاد ایزدپناه (۱۳۷۶) زبان لری از زبان فارسی کهن برگرفته است. تکستون^۱ بر این باور است که زبان لری نزدیک به هزار سال پیش یا کمتر از زبان فارسی منشعب شده است (تکستون، ۱۹۸۶، به نقل از امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۷۰: ۵۳). منبع جمع‌آوری ادبیات نظری مربوط به این پژوهش منابع کتابخانه‌ای شامل کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌هایی است که در ارتباط با موضوع پژوهش نگاشته شده‌اند. گردآوری داده‌های تلفظی و تدوین پیکره زبانی نیز به روش میدانی و حاصل مصاحبه با گویش‌وران لرزبان شهر خرم‌آباد است.

^۱ W. M. Thackston

۲. مبانی نظری و پیشینه مطالعات انجام شده

واج‌شناسی قاعده‌بنیاد نوین، عرصه رقابت رویکردهای نظری - روش‌شناختی به نظام‌های آوایی است. واج‌شناسی زایشی معیار (SPE) را نقطه عطف مطالعات قاعده‌بنیاد واج‌شناختی می‌دانند، چرا که از سویی حاصل جمع آموزه‌های پیشینیان است و از طرفی، خود بستری بدیع را فراهم آورده که نظریه‌های جدید بر آن شکل بگیرند. مدل واج‌شناسی زایشی که در حوزه نظام آوایی زبان جای می‌گیرد، مدلی است خطی و مختصه‌بنیاد که در آن کوچک‌ترین اجزای نظام آوایی به شکل مجموعه‌هایی از مختصه‌های سازنده، نشان داده می‌شوند. در این مدل، واج‌شناسان بیشتر به بررسی خطی ماهیت قواعد واجی صوری و ارتباط این قواعد با یکدیگر می‌پرداختند تا از این راه بتوانند رابطه بین نمود زیرین و نمود آوایی را نشان دهند. در مدل واج‌شناسی زایشی، گفتار کاملاً قابل تقطیع است و می‌توان آن را به اجزای سازنده‌اش برش داد. این اجزا که به صورت خطی به دنبال هم آمده‌اند، شامل مجموعه‌ای از مختصه‌ها هستند. مجموعه مختصه‌های هر واج را می‌توان به صورت یک دسته از انتخاب‌های دوشقی دارای ارزش مثبت یا منفی تعریف کرد. امتیاز نظام آوایی مشخصه‌های واجی این است که به صراحت نشان می‌دهد که جفت‌های واجی (مثلاً واک‌دار و بی‌واک یا خیشومی و دهانی) چگونه به هم مربوط هستند. در انگاره زایشی (و پس‌زایشی)، بازنمایی‌های واجی دارای دو سطح می‌باشند. بازنمایی زیرین که شامل اطلاعات غیرقابل پیش‌بینی می‌باشد و مشخصه‌های تلفظی قابل پیش‌بینی که توسط قواعد و اصول واجی به بازنمایی زیرین افزوده می‌شوند تا بازنمایی آوایی مطلوب را به دست دهند (کنستوویچ^۱، ۱۹۹۴: ۶۰).

بنابراین عملکرد قواعد واجی در مدل واج‌شناسی زایشی (و پس‌زایشی) بین دو سطح بازنمایی زیرین و بازنمایی آوایی است. این قواعد می‌توانند در مجموعه مختصه‌های سازنده یک جزء، تغییر ایجاد نموده و آن را به جزء دیگر تبدیل کنند و یا این که جزئی را جابجا، و یا حذف نمایند. از نظر واج‌شناسان زایشی قواعد واجی‌ای که در اشتقاق یک صورت آوایی دخیل هستند دارای ترتیبی خاص می‌باشند و تنها در صورت عملکرد منظم و به‌موقع این قواعد است که بازنمایی آوایی پذیرفته به دست خواهد آمد.

امان‌اللهی بهاروند (۱۳۷۰) در کتاب خود، به پیوستگی قومی و پراکندگی لرها در ایران پرداخته است. فصل اول کتاب درباره منشأ واژه «لر» و جست‌وجویی تاریخی درباره آن است. فصل دوم، در باب اصل و نسب لرهاست که به گذشته باستانی مناطق لرنشین اختصاص دارد. و لرها را بخشی از فارس‌ها می‌شمارد. فصل سوم کتاب، به زبان لرها می‌پردازد و از دو زبان لری و لکی سخن می‌گوید و تفاوت و محدوده جغرافیایی آنها را نشان می‌دهد. فصل چهارم، به جغرافیای تاریخی مناطق لرنشین می‌پردازد که به دو دوره پیش از اسلام و پس از اسلام تقسیم می‌شود. فصل پنجم گروه‌ها و شاخه‌های قوم لر را بررسی می‌کند.

ایزدپناه (۱۳۶۳) در فرهنگ لری، فهرستی از واژه‌ها و اصطلاحات گویش لری خرم‌آبادی را گردآوری کرده است. در این اثر واژگان لری را آوانگاری کرده و معادل فارسی هریک را نگاشته است. این اثر کاستی‌هایی دارد؛ از جمله این که مقوله دستوری مدخل‌های واژگانی‌اش نوشته نشده است و نیز آوانگاری آن برمبنای الفبای آوانگار بین‌المللی (IPA) نیست. در برخی موارد نیز آوانگاری مدخل‌ها به درستی صورت نگرفته است. برای مثال، واژه [sier] به معنای «سیر» (متضاد گرسنه) به صورت [seyr] آوانگاری شده است که در این صورت، به معنای «گشت‌وگذار» خواهد بود. یاوریان (۱۳۸۵) نیز واژه‌نامه‌ای برای لری دارد.

صالح (۱۳۵۹) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان مقایسه فرایندهای آوایی در گونه استاندارد (تهرانی) و گویش لری، به تعریف و توصیف فرایندهای آوایی و تفاوت‌های آوایی در گونه معیار و گویش لری پرداخته است. احمدی نرگسه (۱۳۷۵) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، ساخت‌واژه گویش لری شهر خرم‌آباد و بخش چگنی را بررسی کرده است. او تعداد همخوان‌های گویش لری را ۲۵، واکه‌های ساده را ۸ و واکه‌های مرکب را ۴ دانسته است.

¹ M. J. Kenstowicz

توصیف گویش لری ممسنی نام پایان‌نامه‌ای است که بخشیان‌فر (۱۳۷۵) در آن ساخت واجی این گویش را با استفاده از جفت‌های کمینه تحلیل نموده است. او سپس واج‌گونه‌ها، ساخت واجی، خوشه‌های واجی و نیز نمونه‌هایی از قواعد و فرایندهای واجی مانند تبدیل، اضافه، حذف و قلب را مطالعه و مثال‌هایی نیز ارائه کرده است.

۳. تحلیل داده‌ها

در این بخش به تحلیل داده‌ها و هر یک از فرایندهای واجی در گویش لری خرم‌آبادی و در بخش‌های مجزا پرداخته می‌شود.

۳-۱. همگونی

یکی از معمول‌ترین و رایج‌ترین انواع فرایندهای واجی، همگونی^۱ است. حق‌شناس (۱۳۸۴: ۱۵۲) می‌نویسد، گاهی یک همخوان در همنشینی با همخوانی دیگر پاره‌ای از مختصات آوایی خود را از دست می‌دهد و به‌جای آن مختصات آوایی همخوان مجاور را به خود می‌گیرد. این فرایند که یکی از جهانی‌های آوایی است، همگونی نام دارد. بنابر تعریف دیگری از همگونی، یک واحد واجی در یک یا چند مشخصه، به واحد واجی دیگر شبیه می‌شود (کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۱۶۷). طبق آنچه در فرهنگ کریستال^۲ (۲۰۰۳: ۳۸) ذکر شده است، در واج‌شناسی زایشی معیار، همگونی با استفاده از مفهوم کپی‌کردن مشخصه‌ها توصیف می‌شود؛ یعنی واحدهای آوایی، مشخصه‌های واحدهای مجاور را کپی می‌کنند. در انگاره‌های غیرخطی مشخصه یا گره مشخصه‌ای که متعلق به یک آواست، به واحد مجاور گسترش می‌یابد. کنستووویچ (۱۹۹۴) درمورد طبقه‌بندی انواع همگونی معتقد است که می‌توان همگونی را بر مبنای این که مشخصه‌های آوای تغییر یافته تا چه اندازه با مشخصه‌های آوای پیرامونی مطابقت دارند توصیف کرد. بر همین مبنا، دو نوع همگونی داریم: همگونی کامل و همگونی ناقص. در همگونی کامل، آوای تغییر یافته تمام مشخصه‌های محیط را به خود می‌گیرد؛ اما در همگونی ناقص آوا در یک یا دو مشخصه به آوای محیط شبیه می‌شود. همگونی بر مبنای جهت خطی تغییر آوایی به دو دسته دیگر تقسیم می‌شود. آرلاتو (۱۳۸۴: ۹۴) دو نوع همگونی پسرو و پیشرو را از هم متمایز می‌کند: همگونی پسرو روندی است که طی آن یک همخوان با همخوانی که پس از آن می‌آید مشابه می‌شود و همگونی پیشرو هنگامی پدید می‌آید که واج نخست ثابت می‌ماند و به طریقی واج دوم را شبیه خود می‌کند.

در گویش لری خرم‌آبادی، هرگاه [d] پس از [n] قرار گیرد، واحد واجی /n/ مشخصه خیشومی خود را به [d] گسترش می‌دهد و همین امر سبب می‌شود [d] به‌طور کامل با [n] همگون شود. جدول زیر این فرایند را نشان می‌دهد:

^۱ assimilation

^۲ D. Crystal

جدول ۱: همگونی کامل [d] با [n] در گویش لری خرم‌آبادی

واژه	فارسی معیار	لری خرم‌آبادی
گروه «الف»		
دنده	dænde	dɛnnæ
رنده	rænde	rɛnnæ
زنده	zende	zennæ
خنده	χænde	χænnæ
گروه «ب»		
کنده	cænde	kænæ
مانده	mɔnde	mænæ
خوانده	χɔnde	χænæ
نشانه	nefɔnde	nefænæ

با توجه به مثال‌های جدول ۱ می‌توان قاعده خطی زیر را رسم نمود:
قاعده (۱)

$$d \rightarrow n/n _$$

+تیغهای

+دهانی

+واک

+پیوسته

→

+خیشومی

+خیشومی/

طبق قاعده (۱)، در لری خرم‌آبادی هرگاه همخوان انسدادی /d/ پس از همخوان خیشومی و تیغهای /n/ درون یک واژه قرار گیرد، همخوان [d] بر اثر همگونی کامل به همخوان [n] تبدیل می‌شود. این فرایند در فارسی معیار رخ نمی‌دهد.

در داده‌های جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود که با همگونی کامل [d] به [n] تعداد واحدهای صوتی در واژه تغییر نکرده است؛ اما داده‌های گروه «ب» با اینکه دارای بافتی کاملاً مشابه با گروه «الف» هستند، فرایند همگونی در آن دیده نمی‌شود و تعداد واحدهای صوتی در روساخت واژه کمتر از زیرساخت آن است. دلیل این رخداد چیست؟ با کمی دقت در داده‌های بالا درمی‌یابیم مقوله دستوری واژه‌ها در دو گروه با هم متفاوت است. واژه‌های گروه «الف» همگی اسم هستند؛ اما گروه «ب» صفت مفعولی‌اند. همانطور که مشاهده می‌شود در داده‌های «ب» کاهش واحد صوتی در روساخت با کشیده شدن واکه هسته جبران شده است. از سوی دیگر، می‌توان با بررسی‌های واژ - واجی به این مسئله پاسخ داد. درواقع، قواعد واجی در مقایسه با قواعد واژ - واجی به صورت مستقل عمل می‌کنند. بنابراین، دلایل ساخت-واژی نیز در تفاوت بین داده‌های بالا دخیل هستند.

در مجموعه داده‌های زیر فرایند همگونی در مشخصه محل تولید به صورت پسرو است. این فرایند در زبان فارسی معیار و بسیاری از گویش‌های دیگر ایرانی فعال است. فرایندی که طی آن همخوان تیغهای [n] قبل از یک همخوان لبی به [m] تبدیل می‌شود. داده‌های جدول شماره ۲ این فرایند را نشان می‌دهد.

جدول ۲: همگونی پسرو همخوان تیغه‌ای [n] با همخوان لبی [m] در گویش لری خرم‌آبادی

واژه	فارسی معیار	لری خرم‌آبادی
تنیک	tonbæk	tomæk
شنبه	fænbe	fæmæ
دنبه	donbe	domæ
انباری	ʔa:nbəri	ʔa:mpəri
تنبل	tænbæl	tæmæl
پنبه	pænbe	pæmæ

اگر همخوان خیشومی تیغه‌ای [n] قبل از انسدادی لبی قرار بگیرد، در مشخصه [+ لبی] با انسدادی همگون و به خیشومی لبی [m] تبدیل می‌شود.

قاعده (۲)

$$n \rightarrow m \quad / \quad _ \quad b$$

از سوی دیگر، در این داده‌ها مجاورت [b] با [m] باعث شده است که این دو همخوان از نظر شیوه تولید کاملاً با هم همگون شوند.

قاعده (۳)

$$b \rightarrow m \quad / \quad m \quad _$$

به اعتقاد کنستوویچ (۱۹۹۴: ۹۹) هرگاه تمام اطلاعات لازم برای شکل‌گیری یک قاعده در بازنمایی آوایی حضور داشته باشد، به آن، قاعده شفاف^۱ گفته می‌شود. به عبارت دیگر، اگر تغییر ساختاری و توصیف ساختاری هر دو در روستخت حضور داشته باشند و در بافت مورد نظر دیده شوند، قاعده شفاف داریم در غیر این صورت، درمقابل آن قاعده تیره^۲ خواهیم داشت. در داده‌های جدول شماره ۲ عامل همگونی، یعنی همخوان [b] حضور ندارد؛ اما همگونی رخ داده است. طبق قاعده تیره می‌توان نتیجه گرفت که عامل همگونی در داده‌های این جدول در ابتدا حضور داشته و همگونی پسرو رخ داده و [n] به [m] بدل شده است؛ سپس بر اثر فرایند همگونی پیشرو همخوان [b] به [m] بدل شده است. می‌توان پس از آن بر اثر به وجود آمدن مشدد در واژه، طبق اصل کم‌کوشی^۳، یکی از همخوان‌های مشابه حذف شده و همزمان، کشش جبرانی در واژه هسته رخ داده است.

۲-۳. تضعیف

کنستوویچ (۱۹۹۴: ۳۵) درباره فرایند تضعیف^۴ می‌نویسد؛ هرگاه جهت تغییرات آوایی از بست انسدادی [n] به سایشی و از سایشی به ناسوده باشد، تضعیف صورت می‌گیرد. محیط پس از واکه معمولی‌ترین جایگاه آن است که به سایشی‌شدگی معروف است. در این گویش، تضعیف به صورت سایشی‌شدگی و ناسوده‌شدگی دیده می‌شود.

^۱ transparent rule

^۲ opaque rule

^۳ economy

^۴ weakening

جدول ۳: فرایند تضعیف در گویش لری خرم‌آبادی

واژه	فارسی معیار	لری خرم‌آبادی
گروه «الف»		
گریبان	jæribon	gɛrivo
سبک	sæboc	sævok
تبر	tæbær	tævæɾ
نبات	næbɒt	nævɒt
خبر	xæbær	χævæɾ
گروه «ب»		
عیب	ʔejb	ʔe:v
غریب	gærib	ʔæɾiv
سیب	sib	siəv
جیب	dʒib	dʒiəv
غیب	gejb	ʔe:v

بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که در گویش لری خرم‌آبادی، همخوان انسدادی دولبی [b] در داده‌های گروه «الف» در محیط بین دو واکه و در داده‌های گروه «ب» در پایان واژه - در صورتی که واکه قبلی پیشین باشد - به همخوان سایشی لب و دندانی [v] تبدیل می‌شود.

قاعده (۴)

$$b \rightarrow V / \text{پسین-} V \quad \#$$

$$\begin{array}{rcl}
 \text{+همخوانی} & & \$ \\
 \text{+لبی} & \rightarrow & \text{+پیوسته} \quad / \quad \text{—} \quad \text{—} \quad \# \\
 \text{+واک} & & \text{— همخوانی} \\
 \text{— پیوسته} & &
 \end{array}$$

۳-۳. ناسوده‌شدگی

در گویش لری خرم‌آبادی هرگاه همخوان دولبی [b] پس از واکه افتاده و پسین [a] قرار بگیرد، به همخوان ناسوده [w] تبدیل می‌شود.

جدول ۴: ناسوده‌شدگی در گویش لری خرم‌آبادی

واژه	فارسی معیار	لری خرم‌آبادی
آب	ʔɒb	ow
قاب	ɡɒb	qow
خواب	bχɒ	owχ
حساب	hesɒb	hesow
کتاب	ceɒb	ketow
تاب	tɒb	tow
جوراب	dʒurɒb	dʒurow
تابه	tɒbe	towa
آبستن	ʔabestæn	owes

بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که همخوان دولبی [b] در محیط بعد از واکه [ɒ] به همخوان ناسوده [w] تبدیل شده و نوعی تضعیف اتفاق افتاده است. قاعده این فرایند را می‌توان به این صورت نشان داد:

(۵) قاعده

$$b \rightarrow w / \quad \text{ɒ} \quad _$$

۴-۳. ناهمگونی

بنابر آنچه در فرهنگ کریستال (۲۰۰۳: ۱۴۴) درباره توصیف فرایند ناهمگونی^۱ ذکر شده است، ناهمگونی تأثیر یک واحد آوایی بر نحوه تولید واحد آوایی دیگر است؛ به‌طوری‌که به کمتر شدن شباهت آن دو واحد آوایی منجر شود و یا آن‌ها را از هم متفاوت کند. در گویش لری خرم‌آبادی، میان [f] و [b] تناوب دیده می‌شود. در این گویش، تولید پی‌درپی دو همخوان سایشی [s] و [f] برای گویشوران کهنسال مشکل است و همین امر موجب بروز فرایند واجی ناهمگونی می‌شود. به داده‌های جدول زیر توجه کنید:

جدول ۵: ناهمگونی در گویش لری خرم‌آبادی

واژه	فارسی معیار	لری خرم‌آبادی
اصفهان	ʔesfæhɒnɒn	ʔesfbəho
اسفندیار	ʔesfændjɒr	ʔesbænjɒr
اسفند	ʔesfænd	ʔesbæn
اسفناج	ʔesfenɒdʒ	ʔesbenɒdʒ
درفول	dezful	dɛzbil
آسفالت	ʔɒsfɒlt	ʔɛsbɒl

در گویش لری خرم‌آبادی، هرگاه همخوان سایشی تیغ‌های [s] به‌عنوان پایانه هجا، بلافاصله قبل از همخوان سایشی غیرتیغ‌ای [f] به‌عنوان آغاز هجای بعد قرار بگیرد، همخوان [f] به انسدادی واکدار متناظر یعنی [b] تبدیل می‌شود. از آنجاکه بسامد [p] به‌عنوان انسدادی بیواک متناظر [f] در این گویش و به‌طور کل در گویش‌های ایرانی کم

^۱ dissimilation

است [f] به [b] تبدیل می‌شود. البته، این ناهمگونی نوعی تقویت نیز به‌شمار می‌آید؛ زیرا این فرایند در ابتدای هجا دیده می‌شود.

۳-۵. حذف همخوان

همخوان‌ها نیز مانند واژه‌ها در گفتار پیوسته حذف می‌شوند. اغلب همخوان‌ها در محیط‌های پایانی در واژگان در معرض حذف قرار می‌گیرند. مشکوٰۃ‌الدینی (۱۳۷۷) در کتاب *ساخت آوایی زبان* آورده است که در فرایند حذف، آوایی از بافت صوتی حذف می‌شود که قاعده کلی آن را می‌توان به‌صورت زیر نشان داد:

قاعده (۶)

الف — ب $X \rightarrow \emptyset$

طبق این قاعده هر آوای X در بافت آوایی «الف — ب» حذف می‌شود و این حذف ممکن است در آغاز، میان و پایان واژه روی دهد. طبق این قاعده، اگر در پایه هجای یک واژه در جایگاه اول، یک واج سایشی مانند /s/ یا /ʃ/ باشد، واج انفجاری دندانی /t/ و /d/ در جایگاه دوم پایانه هجا حذف می‌گردد. به‌طور کلی فرایند حذف زمانی اتفاق می‌افتد که یکی از عناصر واجی مانند واژه یا همخوان از زنجیره گفتار کاسته شود. این فرایند واجی اغلب در پایان هجا یا پایان واژه رخ می‌دهد.

۳-۵-۱. حذف همخوان خیشومی لثوی [n]

نوع حذف همخوان، در داده‌های زبانی گفتار ضبط‌شده گویسوران، به‌طور چشمگیری وجود دارد و شاید بتوان گفت بیشترین نوع حذف همخوان از نوع حذف همخوان خیشومی لثوی [n] است. برای تبیین این فرایند خاص در گویش لری خرم‌آبادی به ترسیم جدول شماره ۶ می‌پردازیم.

جدول ۶: حذف همخوان [n] در پایان واژگان

واژه	فارسی معیار	لری خرم‌آبادی
شیطان	ʃeytən	ʃeto
ساربان	sərebən	sərevo
درمان	dərmən	dərmə
جان	dʒən	dʒə
آسمان	ʔəsemən	ʔsemo
فرمان	fərmən	fərmə
نان	nən	no
گران	ɡerən	ɡero
کمان	kəməən	kəmə

از آنجایی که فرایند حذف همخوان در گویش لری خرم‌آبادی از بسامد بالایی برخوردار است و شاید بتوان دلیل آن را بر پایه اصل کم‌کوشی تبیین نمود، نگارندگان بر آن شدند تا این فرایند را در چارچوب واج‌شناسی بهیئگی بررسی نماید. همخوان خیشومی [n] در پایان واژه و پس از واژه نیم‌افراشته (متوسط) و پسین [o] حذف می‌شود. با توجه به الگوی واجی در این گویش و همچنین میزان کاربرد صورت‌های گردآوری‌شده، بدون حذف آوایی در تعداد زیادی از گویش‌ها و لهجه‌های پارسی بر پایه اصل اکثریت صورت‌های زیرساختی برای نگارندگان مشخص گردید و از طرف دیگر وقوع این

فرایند در دیگر گویش‌های ایرانی نیز به تعیین زیرساخت‌های آوایی پژوهش کمک نمود. به عنوان نمونه در مورد حذف /n/ در پایان واژه‌ها می‌توان به تناوب زیر دست یافت:

$n \rightarrow \emptyset$ یعنی در صورت زیرساختی واج /n/ حضور داشته است؛

$\emptyset \rightarrow n$ که بیانگر افزودن واج /n/ در صورت‌های روساختی است.

می‌توان در تعیین زیرساختی صورت‌های زبانی بالا از طریق وندافزایی عمل نمود؛ به طور مثال، در گویش لری اگر واژه /dɒrmo/ که معادل آن در فارسی «درمان» است با نشانه /ɒ/ جمع بسته شود، واج /n/ آشکار شده و در نتیجه می‌توان گفت که صورت زیرساختی /dɒrmo/ در گویش لری مطابق تناوب زیر /dɒrmon/ بوده است: درمان‌ها [dɒrmo] → [dɒrmonia]

۳-۵-۲. حذف همخوان انفجاری دندانی. لثوی بی واک [t] از خوشه‌های همخوانی /st/

بررسی دقیق پیکره‌های پایه پژوهش اخیر نشان داد که متکلمان به لری خرم‌آبادی تمایل دارند [t] پایانی پس از همخوان تیز لثوی بی‌واک [s] را حذف کنند، حتی اگر تکواژ دیگری نیز به این واژه‌ها اضافه شود باز هم این همخوان حذف می‌شود. به بیان بهتر، مطابق جدول ۷ همخوان [t] در جایگاه پایانه هجا و بعد از همخوان [s] در سطح برون‌داد صورت‌های زبانی، نمود پیدا نمی‌کند.

جدول ۷: وقوع حذف همخوان [t] از پایانه خوشه‌های همخوانی /st/ در صورت‌های آوایی گویش لری خرم‌آبادی

واژه	فارسی معیار	لری خرم‌آبادی
دست	dæst	dæs
شصت	ʃast	ʃas
مست	mæst	mæs
پوست	pust	pus
بیستم	bistom	bisəm
نشست	nefæst	nefəs
ماستم	mɒstəm	mɒsəm
راست	rɒst	rɒs

۳-۵-۳. حذف همخوان [f] از خوشه‌های همخوانی /ft/

این نوع فرایند واجی از نظر جایگاه حذف همخوان که در خوشه‌های همخوانی واقع در پایانه هجا صورت می‌گیرد با فرایندهای حذف مشترک است. اما از نظر نوع فرایند حذف در گروه فرایندهای زبان‌ویژه قرار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، در گویش لری خرم‌آبادی یک واحد واجی وجود دارد که مختص این گویش است.

جدول ۸: فرایند حذف همخوان f از خوشه‌های همخوانی /ft/ در گویش لری خرم‌آبادی

واژه	فارسی معیار	لری خرم‌آبادی
گرفت	jereft	jeret
رفت	ræft	ræt
گفت	joft	jot

۳-۴-۵. حذف همخوان‌های واک‌دار در پایانهٔ هجا

در گویش لری خرم‌آبادی اگر همخوان‌های [b]، [v]، [z]، [d]، [g] و [n]، در جایگاه پایانهٔ هجا و بعد از واکه‌های بلند [u]، [i] و [ɒ] در یک واژه قرار گیرند، در سطح برون‌داد حضور نمی‌یابند. برای نمونه، همخوان تیغه‌ای دندان‌ی [d] در پایان واژگان در خوشهٔ دو خوشه‌همخوانی به‌عنوان عضو دوم خوشه حذف می‌شود. اگر چه وقوع این فرایند در زبان فارسی نیز دیده می‌شود، مطلب فوق را می‌توان به صورت قاعدهٔ (۷) نشان داد:

قاعدهٔ (۷)

$$C \rightarrow \emptyset / V_\#$$

این نکته درخور توجه است که به‌طور کلی حذف همخوان‌های پایانی در این گویش زمینهٔ کشش واکه‌ای را در تلفظ واژه‌ها ایجاد می‌کند. به عنوان مثال واژهٔ /zud/ ← /zi:/ تلفظ می‌شود.

جدول ۹: فرایند حذف در گویش لری خرم‌آبادی

واژه	فارسی معیار	لری خرم‌آبادی
زود	zud	zi:
دود	dud	di:
چیز	tʃiz	tʃi:
داماد	dɒmɒd	domɒ:
افتاد	ʔoftɒd	oftɒ:
پریروز	pæriruz	pæriru:
خون	χun	χi:
گاو	gɒv	ɟow:
دزد	dozd	doz
چوب	tʃub	tʃu:
دوغ	duɟ	du:
کشید	keʃid	kæʃi:
رگ	ræɟ	ræg
دستمزد	dæstmozd	dæsmoz

۳-۵-۵. حذف انفجاری دندان‌ی. لثوی واک‌دار پس از یک خیشومی لثوی

بررسی دقیق پیکره‌های پایه پژوهش نشان می‌دهد که متکلمان به این گویش تمایل به حذف همخوان [d] دارند، هنگامی که این همخوان پس از یک خیشومی لثوی قرار گرفته باشد (چه در پایان و یا در وسط کلمه).

جدول ۱۰: حذف انفجاری دندان‌ی - لثوی واک‌دار پس از یک خیشومی لثوی

واژه	فارسی معیار	لری خرم‌آبادی
------	-------------	---------------

گروه «الف»		
pesæn	pæsænd	پسند
gænem	jændom	گندم
ʔesbæn	ʔesfænd	اسفند
kæmarvæn	camærbænd	کمر بند
گروه «ب»		
kæn	cænd	کند
mæn	mønd	ماند
hæn	χpnd	خواند
neʃæn	neʃpnd	نشاند

۳-۶. قلب واجی

احمدخانی (۲۰۱۰) به بررسی قلب واجی همزمانی و در زمانی در چارچوب نظریه بهینگی زبان فارسی پرداخته است. وی دو انگیزه رعایت اصل آرایش رسایی و رعایت قاعده تماس هجایی را برای جابجایی واجی برشمرده است. افزون بر این، فرآیند قلب یک نوع دگرگونی و جابجایی واحدهای آوایی است (گوردن^۱، ۲۰۱۶: ۱۶۸). بنابر نظر آراتو (۱۳۸۴: ۱۲۷) فرایند قلب نوعی دگرگونی آوایی است که از جابه‌جا شدن دو آوای مجاور حاصل می‌شود. نمونه‌هایی از فرایند مورد بحث را می‌توان در جدول ۱۱ مشاهده نمود. همچنین، قاعده این فرآیند به صورت قاعده (۸) بیان می‌شود:

قاعده (۸)

$$C1 \quad C2 \rightarrow C2C1 \quad / \quad V - \quad \#$$

با توجه به قاعده فوق اگر در ساخت $VCVCVC$ همخوان VC یکی از همخوان‌های روان $[r]$ و یا $[l]$ باشد که نسبت به $C1$ رساتر است، احتمال وقوع فرایند قلب وجود دارد. باید افزود، در مواردی قلب در خوشه دو همخوانی که همخوان اول غیر تیغه‌ای و همخوان دوم تیغه‌ای باشد نیز رخ می‌دهد که نمونه‌های آن نیز در جدول ۱۱ مشاهده می‌گردد و قاعده آن به صورت زیر است:

قاعده (۹)

$$C1 \quad C2 \rightarrow C2C1 \quad / \quad - \quad (V)\#$$

همان‌طور که در نمونه‌های جدول ۱۱ مشاهده می‌شود و با در نظر گرفتن قاعده بالا، جایگاه همخوان‌های خوشه دوهمخوانی در روساخت با یکدیگر جابه‌جا شده است.

جدول ۱۱: قلب در گویش لری خرم‌آبادی

واژه	فارسی معیار	لری خرم‌آبادی
------	-------------	---------------

¹ M. K. Gordon

ɤolf	gofl	قفل
sælt	sætl	سطل
farɣi	faɣri	فخری
kərmit	cəbri	کبریت
nærz	næzr	نذر
mæzɔ	mægz	مغز
bosk	boks	بوکس
tɒski	tɒksi	تاکسی
noɣsæ	nosɣe	نسخه
naɟɤæ	naɟɤə	نقشه
næɟɤæ	næɟɤə	نشئه
ɤætɹ	gætɹ	وضع
væɹz	væzɹ	وضع

در تمام مثال‌های بالا اول فرایند قلب در مورد دو همخوان مجاور که، معمولاً و نه همیشه، در یک هجا واقع می‌شوند و پس از آن، فرایند حذف همخوان و کشش واکهٔ ما قبل از آن، که در بخش پیش توضیح داده شد، رخ می‌دهد.

۷-۳. پیش‌نرم‌کامی‌شدگی

در گونه معیار فارسی (ثمره، ۱۳۸۷)، بسامد وقوع انواع انفجاری‌های نرم‌کامی ([k] و [g]) محدود به جایگاه قبل از واکه‌های پسین است. در گونهٔ مزبور، مواضع دیگر (ازجمله، جایگاه پیش از واکه‌های پیشین) را انواع انفجاری‌های سخت‌کامی اشغال می‌کنند. به بیان فنی، اثبات شده است که در فارسی معیار، انفجاری‌های سخت‌کامی، در جایگاه پیش از واکه‌های پسین، به انفجاری‌های نرم‌کامی تبدیل می‌شوند (پرمون، ۱۳۸۰). گزارش شده که در برخی از گونه‌های زبانی ایران، تنها، گونه‌های انفجاری‌های سخت‌کامی از جنبه مورد توجه در بخش حاضر، کاربرد دارند، به عنوان مثال، گفته می‌شود که قزوینی و همدانی، همراه با گونه‌های مختلف ترکی، چنین‌اند. در گویش لری فرایند نرم‌کامی‌شدگی فوق‌الذکر وجود ندارد. از این جنبه، این گویش غیرمنطبق با فارسی معیار کرمانی و گونهٔ معیار فارسی و هماهنگ با گویش‌های کردی و لکی هرسین رفتار می‌کند (ناطوری، ۱۳۸۳). به بیانی روشن‌تر در لری خرم‌آبادی انفجاری سخت‌کامی نداریم که نرم‌کامی شود، اما در این گویش همانند کردی فقط انفجاری‌های نرم‌کامی داریم که تحت تأثیر واقع شدن در جایگاه قبل از واکه‌های پیشین، به شکل پیش‌نرم‌کامی‌شده در می‌آیند. از این جنبه، گویش لری خرم‌آبادی مانند کردی و گیلکی عمل می‌کند. نمونه‌های زیر، نمونه‌هایی روشن‌گر و حاکی از کارکرد فرایند تصویرشده است:

جدول ۱۲: فرایند پیش‌نرم‌کامی‌شدگی در گویش لری خرم‌آبادی

واژه	فارسی معیار	لری خرم‌آبادی
کوچه	cutɤə	kʷitɤæ

kʷæmær	cæmær	کمر
gænem	jændom	گندم
gæftæm	jæftæm	گشتم
gæn	-	بد
gæp	-	بزرگ

۳-۸. ابدال (خنثی شدگی) بین [l] و [r]

ابدال عبارت است از تغییر همخوان، به گونه‌ای که وابسته به موقعیت حوزه نوایی و یا آواهای مجاور آن نیست (گریج زنهاوت^۱، ۲۰۱۱: ۱۵۳۷-۱۵۴۳). واج‌های /l/ و /r/ در بسیاری از مشخصه‌ها با هم مشترک‌اند؛ در نتیجه در فرایندهای واجی مشترک شرکت می‌کنند (بروغنی، ۱۳۸۳: ۶۸) و یک طبقه طبیعی را تشکیل می‌دهند. به استناد فرهنگ زبان پهلوی، این دو همخوان روان در گذشته یک واج بوده‌اند؛ به همین دلیل به طور متناوب به جای یکدیگر به کار می‌رفته‌اند. فرایند تبدیل l به r در زبان لاتین (کنستوویچ، ۱۹۹۴) نیز دیده می‌شود. از میان گویش‌های ایرانی، این فرایند در گویش سبزواری (بروغنی، ۱۳۸۳: ۶۶) و گونه اقلید (شریفی، ۱۳۸۷: ۵۴-۵۵) مشاهده می‌شود. در جایی که در زبان فارسی همخوان /r/ وجود دارد در گویش لری همخوان /l/ دیده می‌شود که داده‌های زیر از گویش لری خرم‌آبادی این تناوب را به خوبی نشان می‌دهند.

جدول ۱۳: فرایند ابدال بین [l] و [r] در گویش لری خرم‌آبادی

واژه	فارسی معیار	لری خرم‌آبادی
گروه «الف»		
برگ	bærj	baɫg
مرحم	mærhæm	maɫæm
زهره	zæhre	zæɫæ
تماشا	sejr	se:ɫ
سوراخ	surɒχ	siɫɒ
قیر	gir	qiɫ
مردار	mordɒr	moɒrdal
تار (مو، کمانچه)	tɒr	tal
گروه «ب»		
جنبش	-	ɫiʃ
ریش	riʃ	riʃ
قاچ، برش	-	rif
لیف حمام	lif	ɫif
لمس	læms	ɫæms

۴. نتیجه‌گیری

گویش‌شناسی شاخه مهمی از دانش زبان‌شناسی است که در ایران منجر به تهیه اطلس زبان‌شناسی، بررسی مقابله‌ای گویش‌ها با زبان فارسی معیار، و تحلیل و شناخت موارد اشتراک و افتراق آنها شده است. گویش لری با وجود موارد

¹ J. Grijzenhout

تشابه فراوانی که با زبان فارسی معیار دارد، دارای وجوه افتراق زیادی نیز با آن می‌باشد. در این مقاله، برخی از فرآیندهای فعال در گویش لری خرم‌آبادی مورد بررسی و توصیف قرار گرفتند تا مشخص شود که واژه‌ها در گویش مورد نظر از لحاظ واجی و آوایی در معرض چه تغییراتی قرار می‌گیرند. در مطالبی که در حوزه واج‌شناسی در مقاله حاضر مطرح شد، برای نمونه واج /x/ که در گویش لری وجود دارد، در زبان فارسی به کار نمی‌رود. افزون بر این، فرایندهای واجی رایج در این گویش عبارتند از: همگونی، ناهمگونی، تضعیف، حذف، قلب و ابدال (خنثی شدگی).

با مطالعه بر روی داده‌های گویش لری خرم‌آبادی مشخص گردید که موارد بسیار زیادی از فرآیند حذف در این گویش دیده می‌شود، به‌ویژه به نظر می‌رسد گویشوران بیش از موارد دیگر، تمایل به حذف [n] خیشومی لثوی پایانی در جایگاه بعد از واکه‌های افراشته سخت را دارند. این امر نشان‌دهنده این است که گویشوران لری خرم‌آبادی نسبت به گویشوران زبان فارسی معیار تمایل بسیار زیادی به رعایت اصل کم‌کوشی در گفتار خود دارند، که در راستای تولید ساخت هجایی و واژگانی قابل قبول و ساده در واج‌آرایی این گویش صورت گرفته‌اند. این مطلب افزون بر ساده‌سازی خوشه‌های دوهمخوانی از طریق حذف، در همگونی همخوان‌ها برای آسانی در تلفظ نیز مشاهده می‌گردد. به‌علاوه، می‌توان به این نتایج اشاره کرد: همخوان‌های [q]، [w]، [x]، [n]، [t]، [k] و [ð] در لری خرم‌آبادی وجود دارند که فارسی معیار فاقد این همخوان‌هاست. افزون بر این، واکه‌های [y]، [ø]، [yæ]، [œ] و [ɪə] در گویش لری خرم‌آبادی وجود دارند که فارسی معیار فاقد آنهاست. علاوه بر این، همخوان‌های کامی [c] و [gæp] در فارسی معیار، در این گویش به صورت نرم‌کامی یعنی [k] و [q] تولید می‌شوند و واکه‌های [e] و [æ] فارسی معیار در گویش لری خرم‌آبادی افتاده‌تر تلفظ می‌شوند. در مقایسه با فارسی معیار، تمام همخوان‌های خیشومی تیغه‌ای پایانی که قبل از آن‌ها واکه کشیده پسین قرار دارد، در این گویش حذف می‌شوند. به عبارت دیگر، در این گویش نمی‌توان واژه‌ای یافت که به همخوان [n] ختم شود و قبل از آن واکه کشیده و پسین [u] باشد؛ اما همخوان دولبی خیشومی [m] مانند فارسی معیار در پایان واژه باقی می‌ماند و دستخوش فرآیند حذف نمی‌شود.

همچنین همه همخوان‌های گرفته بعد از واکه‌های کشیده در لری خرم‌آبادی حذف می‌شوند به‌جز در مواردی که ابهام واژگانی ایجاد شود. افزون بر موارد مذکور، در لری خرم‌آبادی همخوان‌های /t/ و /d/ در توالی‌های /st/ و /zd/ و همین‌طور همخوان /f/ در توالی /ft/ در واژه‌های بسیط حذف می‌شوند. این فرآیند در همین بافت در بعضی از واژه‌های فارسی معیار نیز دیده می‌شود. در ارتباط با قلب واجی نیز نگارنده بر پایه نمونه‌های موجود نتیجه‌گیری نمود که در گویش لری خرم‌آبادی وجود همخوان‌های روان /t/ و /l/ در خوشه‌های همخوانی در واژه، باعث بروز فرآیند قلب می‌شود. بروز این فرآیند در دیگر گونه‌های فارسی دیده می‌شود؛ اما در فارسی معیار بسامد آن کم است.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت کرده‌اند.

تعارض منافع

بر مبنای اظهار نظر نگارندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

منابع

احمدی نرگسه، رحیم (۱۳۷۵). ساخت واژگانی گویش لری خرم‌آباد و بخش چگنی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۷۰). قوم لر: پژوهشی درباره پیوستگی قومی و پراکندگی جغرافیایی لرها در ایران. تهران: آگه.

- ایزدپناه، حمید (۱۳۶۳). فرهنگ لری. تهران: آگه.
- آرلاتو، آنتونی (۱۳۸۴). درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی. ترجمه یحیی مدرسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بروغنی، فاطمه (۱۳۸۳). بررسی واج‌شناختی گویش سبزوار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- بخشیان‌فر، قاسم (۱۳۷۵). توصیف گویش لری ممسنی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- پرمون، یداله (۱۳۸۰). نظام آوایی فارسی محاوره معیار امروز: رویکردی زایشی، واژگانی و عروضی. رساله دکتری زبان‌شناسی همگانی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- نمره، یداله (۱۳۷۸). آواشناسی زبان فارسی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- حق‌شناس، علی‌محمد (۱۳۸۴). آواشناسی. تهران: آگه.
- شریفی، گوهر (۱۳۸۷). بررسی نظام آوایی گونه اقلید در چارچوب واج‌شناسی زایشی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- صالح، گلریز (۱۳۵۸). مقایسه فرایندهای آوایی در گونه استاندارد (تهرانی) و گویش لری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. تهران: دانشگاه تهران.
- طاهری، اسفندیار (۱۳۸۵). «فعل در گویش لری». مجله گویش‌شناسی، ۳ (۱ و ۲)، ۸۶-۱۰۸.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیبه (۱۳۸۵). واج‌شناسی (رویکردهای قاعده بنیاد). تهران: سمت.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیبه، بهرامی خورشید، سحر (۱۳۸۷). «یک فرایند ناهمگونی فعال در لهجه همدانی». مجله گویش‌شناسی ویژه‌نامه فرهنگستان، ۷ (۷)، ۳۲-۴۱.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیبه، ملکی مقدم، اردشیر، سلیمانی، آرزو (۱۳۹۲). «مقایسه فرایندهای واجی همخوان‌های گویش لری بالاگریوه با فارسی معیار». جستارهای زبانی، ۴ (۱)، ۱۵۱-۱۷۹.
- مشکوة‌الدینی، مهدی (۱۳۷۷). ساخت آوایی زبان. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- ناطوری، مهرناز (۱۳۸۳). بررسی نظام آوایی گویش کلی گونه هرسین از دیدگاه واج‌شناسی استاندارد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

- Ahmadkhani, M. R. (2010). "Phonological metathesis in Persian: Synchronic, diachronic, and the optimality theory". *Pazhuhesh-e Zabanha-ye Khareji*, (56), 5-24. SID. <https://sid.ir/paper/83445/en>
- Ahmadi Nargeseh, R. (1996). *The Morphological Structure of the Khorramabad Lori Dialect and the Chegeni District*. M.A. thesis in General Linguistics. Allameh Tabataba'i University, Tehran. [In Persian].
- Amanollahi-Baharvand, S. (1991). *The Lur People: A Study of the Ethnic Cohesion and Geographical Distribution of the Lurs in Iran*. Tehran: Agah. [In Persian].
- Arlotto, A. (2005). *An Introduction to Historical Linguistics*. Translated by Yahya Modarresi. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian].
- Bakhshian-Far, Q. (1996). *A Description of the Mamasani Lori Dialect*. M.A. thesis in General Linguistics. Isfahan: University of Isfahan. [In Persian].
- Borughani, F. (2004). *A Phonological Study of the Sabzevari Dialect*. M.A. thesis. Tehran: Tarbiat Modares University. [In Persian].
- Crystal, D. (2003). *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*. USA: Blackwell Publishing.
- Gordon, M. K. (2016). *Phonological typology*. Oxford: Oxford University Press.
- Grijzenhout, J. (2011). Consonant mutation. In M. van Oostendorp, C. J. Ewen, E. Hume, & K. Rice (Eds.), *The Blackwell companion to phonology*. Vol. 3. *Phonological processes*. 1537-1558. Wiley-Blackwell. <https://doi.org/10.1002/9781444335262.wbctp0065>.
- Haghshenas, A. M. (2005). *Phonetics*. Tehran: Agah. [In Persian].
- Izadpanah, H. (1984). *Lori Dictionary*. Tehran: Agah. [In Persian].
- Kenstowicz, M. J. (1994). *Phonology in Generative Grammar*. Cambridge, MA & Oxford: Blackwell.

- Kord Zafaranlu Kambozia, A. (2006). *Phonology) Rule-Based Approaches)*. Tehran: SAMT. [In Persian].
- Kord Zafaranlu Kambozia, A. and Bahrami Khorshid, S. (2008). "An Active Dissimilation Process in the Hamadani Dialect." *Dialectology Journal, Special Issue of the Academy*. 7 (7), 32–41. [In Persian].
- Kord Zafaranlu Kambozia, A. and A. Maleki-Moghadam and A. Soleimani (2013). "Phonological Processes of Bala-Gueriveh Lori and Standard Persian: A Comparison Study" *Language Related Research*. 4 (1). 151–179. [In Persian].
- Meshkatoddini, M. (1998). *The Phonological Structure of Language*. Mashhad: Ferdowsi University Press. [In Persian].
- Natouri, M. (2004). *A Study of the Phonological System of the Harsin Variety of the Keli Dialect from the Perspective of Standard Phonology*. M.A. thesis in General Linguistics. Islamic Azad University, Tehran Central Branch. [In Persian].
- Parmoon, Y. (2001). *The Phonological System of Contemporary Standard Colloquial Persian: A Generative, Lexical, and Prosodic Approach*. Ph.D. dissertation in General Linguistics. Tehran: Tarbiat Modares University. [In Persian].
- Saleh, G. (1979). *A Comparison of Phonological Processes in the Standard (Tehrani) Variety and the Lori Dialect*. M.A. thesis in General Linguistics. Tehran: University of Tehran. [In Persian].
- Samareh, Y. (1999). *Phonetics of the Persian Language*. Tehran: Academic Publishing Center. [In Persian].
- Sharifi, G. (2008). *A Study of the Phonological System of the Eqlid Variety within the Framework of Generative Phonology*. M.A. thesis. Tehran: Tarbiat Modares University. [In Persian].
- Taheri, E. (2006). "The Verb in the Lori Dialect." *Journal of Dialectology*, 3 (1 and 2), 86 –108. [In Persian].
- Thackston, W. M. (1986). "The Phonology of Luri (Dialect of Bālā-Garivā)," in S. Amanolahi and W. M. Thackston, *Tales from Luristan*, Cambridge, Mass. 196-200.